یادداشت وزیر امور خارجه در سایه بریتانیا

حزب کارگر بریتانیا در جست‌وجوی بازگشت به قدرت

Vote Labour
Labour

سجاد عطازاده
مترجم

دیوید لامی، وزیر امور خارجه در سایه حزب کارگر در مقاله «چرایی واقع‌گرایی مترقی، چرا بریتانیا باید یک مسیر جدید جهانی را دنبال نماید» که در شماره می/ژوئن ۲۰۲۴ نشریه فارن‌افرز منتشر شده، به بررسی وضعیت بریتانیا در آستانه انتخابات پارلمانی این کشور پرداخته است. لامی در این مقاله و از موضع اپوزیسیون دولت محافظه‌کار فعلی، به بیان واقعیت‌هایی مانند صدمه دیدن اقتصاد آن و کنار کشیدن این کشور از رهبری جهانی می‌پردازد. او علت‌العلل مشکلات بریتانیا را حاکمیت حزب محافظه‌کار و نوشداروی آن را به قدرت رسیدن حزب کارگر، از طریق ترکیب واقع‌گرایی و ترقی گرایی می‌داند اما به‌نظر می‌رسد تضعیف جایگاه بریتانیا ریشه در مسائلی بسیار عمیق‌تر داشته و امکان حل آن به سهولت ممکن نیست.

رای‌دهندگان بریتانیایی امسال به پای صندوق‌های رای خواهند رفت؛ آن هم درحالی که حزب کارگر کی‌یر استارمر به‌دنبال آن است حزب محافظه‌کار را از سال ۱۹۹۷ که بر اریکه قدرت تکیه زده است، کنار بزند اما جهان در این سال‌ها بسیار تغییر کرده است. زمانی که تونی بلر، نخست‌وزیر اسبق ۲۷ سال پیش وارد داونینگ استریت شد، حجم اقتصاد بریتانیا بزرگ‌تر از مجموع اقتصاد هند و چین بود. بریتانیا هنوز شهر بزرگ آسیایی هنگ‌کنگ را به‌عنوان مستعمره اداره می‌کرد. افزایش دمای جهانی نسبت به میانگین بلندمدت کمتر از نصف میزان امروزی بود. تسلط آمریکا هم به‌قدری چشمگیر بود که برخی افراد گسترش مدل لیبرال دموکراسی را اجتناب‌ناپذیر می‌دیدند.

اما امروز نظم جهانی آشفته و چندقطبی شده است. چین به یک ابرقدرت تبدیل‌شده که اقتصاد آن بیش از پنج‌برابر انگلستان است. از زمانی که من برای اولین‌بار در حدود ۱۹ سال پیش به مقام وزارت رسیدم، قدرت به طیفی از کشورهای مختلف انتقال یافته است. در نتیجه اکنون ژئوپلیتیک در فضای بسیار شلوغ‌تری اتفاق می‌افتد. کشورهایی که ویلیام برنز، رئیس سیا در مقاله خود در فارن‌افرز از آنها به‌عنوان «وسط باز» یاد کرد، درحال توافق [با کشورهای مختلف و دارای گرایش‌های متضاد] هستند و برنامه‌های خود را در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین تنظیم می‌کنند. در این میان اخبار بسیار تلخی هم وجود دارند؛ جنگ‌ها در مقیاس و شدت افزایش می‌یابند. دموکراسی‌ها عقب‌نشینی کرده‌اند. صدمات آب‌وهوایی دیگر یک دغدغه مربوط به آینده حساب نمی‌شود، بلکه هم‌اکنون شاهد آن هستیم. البته مسئولیت حفظ سیاره زمین به‌طور جدی آغاز شده است، آن هم درحالی‌که دولت‌ها در فرآیند گذار انرژی که آینده بشریت به آن بستگی دارد، با یکدیگر رقابت و همکاری دارند.

بااین‌حال حزب محافظه‌کار به‌جای داشتن نگاهی واضح نسبت به جهان و روبه‌رو شدن با چالش‌ها، بیش از ۱۴ سال است که دولت بریتانیا را به‌سمت داخل سوق داده است. دولت‌های محافظه‌کار متوالی عمیقا در نوستالژی و انکار جایگاه بریتانیا در جهان فرو رفته‌اند، مثلا بریتانیا از اتحادیه اروپا خارج شد، بدون اینکه برنامه مشخصی برای اقدامات بعدی داشته باشد. شهرت جهانی بریتانیا نیز برای پایبندی به حاکمیت قانون از سوی دولت با بی‌اعتنایی روبه‌رو شده است. دولت محافظه‌کار بریتانیا همچنین تهدید به کنار گذاشتن «پیمان جمعه نیک» (که صلح را در ایرلند شمالی به ارمغان آورد) و خروج از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر کرد. زمانی هم که چین، ایالات‌متحده و اتحادیه اروپا سیاست‌های صنعتی سبز رقابتی را در حوزه صنایع آینده ایجاد کردند، دولت بریتانیا نتوانست از آنها پیروی کند و حتی با تخطی از تعهد انتشار کربن صفر خالص، رهبری بریتانیا در حوزه اقلیمی را از بین برد و طرح‌های تجاری را نیز به‌هم‌ریخت.

دولتمردان محافظه‌کار به‌ویژه در رویکرد خود به جنوب جهانی سنگدل بوده‌اند. در دهه گذشته آنها با ادغام نادرست ادارات دولتی که باعث بی‌ارزش شدن تخصص و کاهش اجباری برنامه‌های حیاتی شد، جایگاه بریتانیا را به‌عنوان یک ابرقدرت توسعه‌ای تضعیف کردند. آنان همچنین به‌جای مبارزه برای تسخیر قلب و ذهن طبقه متوسط جدید جهانی، این گروه را با لحن‌های اغلب توهین‌آمیز مورد خطاب قرار دادند، درست مانند زمانی که بوریس جانسون، وزیر امور خارجه وقت، علنا شعری استعماری از رودیارد کیپلینگ را در جریان سفر سال ۲۰۱۷ خود به میانمار قرائت کرد. دولت محافظه‌کار همچنین با حمله به موسساتی مانند دانشگاه‌ها، دادگاه‌ها و بی‌بی‌سی، یکی از بزرگ‌ترین نقاط قوت کشور – قدرت نرم – را به خطر انداخت. رفع این آسیب آسان نخواهد بود. اقتصاد بریتانیا در باتلاق رشد پایین گیر کرده است. ارتش بریتانیا تعداد سربازان کمتری نسبت به هر زمان دیگری از دوران ناپلئون دارد. بسیاری از خدمات عمومی به‌زانو درآمده‌اند اما اگر حزب کارگر در انتخابات آتی پیروز شود، می‌تواند دهه احیای ملی را همراه با رویکردی روشن به روابط بین‌الملل ارائه دهد: واقع‌گرایی مترقی.

واقع‌گرایی مترقی از ابزارهای واقع‌گرایانه برای پیگیری اهداف مترقی استفاده می‌کند. برای دولت بریتانیا، این مهم نیاز به صداقت سرسختانه درباره بریتانیا، توازن قدرت و وضعیت جهان دارد اما این‌گونه از واقع‌گرایی به‌جای استفاده از منطق واقع‌گرایی صرفا برای انباشت قدرت، از آن در خدمت اهداف عادلانه استفاده می‌کند، مثلا مقابله با تغییرات آب‌وهوایی، دفاع از دموکراسی و پیشبرد توسعه اقتصادی جهان. به‌عبارت دیگر رئالیسم مترقی دنبال کردن ایده‌آل‌ها بدون توهم درباره آن چیزی است که قابل‌دستیابی است.

به‌نفع عدالت

رسیدن به یک سیاست خارجی مترقی واقع‌گرایانه از مسیر دو وزیر خارجه بزرگ بریتانیا می‌گذرد. اولین نفر ارنست بوین بود. او که در فقر فلج‌کننده روستایی به دنیا آمده و در کودکی یتیم شده بود، در سال ۱۹۴۵ پس از رهبری یکی از اتحادیه‌ها و فعالیت به‌عنوان یک سیاستمدار حزب کارگر به‌سمت وزیر خارجه بریتانیا رسید. بوین چند هفته پس از روی کار آمدن، وارد مذاکره درباره نظم نوین جهانی با رئیس‌جمهور ایالات‌متحده هری ترومن و رهبر شوروی جوزف استالین شد.

او به واقع‌گرایی متعهد بود؛ سیاستی که مبتنی‌بر احترام به حقایق است. تعهد او برای امنیت اروپا بسیار مهم از آب درآمد. بوین عزم متزلزل آمریکا را درطول محاصره برلین طی سال‌های ۱۹۴۹-۱۹۴۸ توسط شوروی با بیان خطرات مترتب این وضعیت برای مسئولان آمریکایی راسخ کرد، برای ایجاد کشور آلمان غربی به‌عنوان لنگرگاه غرب فشار آورد و کلمنت آتلی نخست‌وزیر بریتانیا را متقاعد کرد بریتانیا باید به سلاح اتمی برسد اما دستاورد مهم او متقاعد کردن دولت ترومن بدبین به عضویت در ناتو بود که در ماده ۵ آن صراحتا اعلام شده حمله به هر عضوی حمله به همه اعضای ناتو به‌شمار می‌رود. آوریل امسال هفتادوپنجمین سالگرد تاسیس ناتو بود.

اما بوین مانند بسیاری از سیاستمداران بزرگ، محصول زمان خود بود. او نیز با این ادعا که چنین اقداماتی در راستای منافع ملی انجام شده، اشتباهات استعماری را توجیه می‌کرد. او همچنین در دنیایی زندگی نمی‌کرد که غرب مجبور بود با رقبای خود در زمینه تغییرات آب‌وهوایی و هوش مصنوعی همکاری کند اما امروز واقع‌گرایی به‌تنهایی برای حفاظت از کره زمین کافی نخواهد بود.

برای نیل به این مهم، دموکراسی‌ها باید از سنت یکی دیگر از وزرای امور خارجه جدیدتر بریتانیا استفاده کنند: رابین کوک. زمانی که کوک در سال ۱۹۹۷ به قدرت رسید، چشم‌اندازی برای یک سیاست خارجی با «بعد اخلاقی» ارائه کرد، آن هم درحالی‌که متوجه بود امنیت بریتانیا باید همیشه در اولویت باشد. کوک با نیروی اعتقادات خود، تغییرات آب‌وهوایی را برای اولین‌بار در تاریخ به کانون اصلی وزارت امور خارجه تبدیل کرد، حقوق بشر را وارد جریان اصلی دیپلماسی کرد، از ممنوعیت جهانی مین‌های زمینی حمایت و متحدان دولت بریتانیا را برای مبارزه با جنایات جنگی در کوزوو آماده کرد. او همچنین با همراهی بلر با متعهد ساختن بریتانیا به جامه عمل پوشاندن به کمک ۰٫۷ درصدی به سازمان ملل متحد به این کشور کمک کرد در زمینه توسعه بین‌المللی به یک ابرقدرت تبدیل شود.

در کوک نیز واقع‌گرایی وجود داشت. او با جنگ عراق مخالفت کرد؛ آن هم با دادن هشدارهایی که اکنون پیشگویانه تلقی می‌شوند. بااین‌حال دیدگاه کوک مبنی‌بر افزودن اصول اخلاقی بیشتر به سیاست خارجی، در مواقعی تنه‌به‌تنه آرمان‌گرایی می‌زد؛ به‌ویژه زمانی که صحبت از انتخاب‌های سخت درمورد صادرات تسلیحات می‌شد اما این محدودیت‌ها به این معنا نیست که آرمان‌گرایی در سیاست خارجی جایی ندارد. به‌علاوه مترقی بودن به این معنا نیست که شخص نمی‌تواند واقع‌گرا باشد. دولت‌ها نیز مجبور نیستند بین ارزش‌ها و منافع یکی را انتخاب کنند. انگلستان نباید بین این دو دست به انتخاب بزند. بریتانیا باید با برخورداری از روحیه بوین، درباره وضعیت جهان و نقش خود در آن واقع‌بین باشد. لندن درعین‌حال باید مشابه کوک، به ظرفیت خود برای حمایت از اهداف چندجانبه، ایجاد نهادها، دفاع از دموکراسی، دفاع از حاکمیت قانون، مبارزه با فقر و مبارزه با تغییرات آب‌وهوایی اعتقادی مترقیانه داشته باشد.

نقطه آغاز یک واقع‌گرایی مترقی که واقعا بتواند با این نام خوانده شود، صداقت درباره آن دسته از فرضیاتی است که غرب در گذشته مطرح کرده بود اما نادرست از آب درآمده‌اند. اجماع گسترده مبنی‌بر اینکه جهانی شدن اقتصادی قهرا به ایجاد ارزش‌های لیبرال دموکراتیک می‌انجامد، نادرست بود. حقیقت آن است که اکنون دموکراسی‌ها ازنظر اقتصادی بیشتر به دولت‌های اقتدارگرا وابسته شده‌اند و سهم تجارت جهانی بین آنها از ۷۴ درصد در سال ۱۹۹۸ به ۴۷ درصد در سال ۲۰۲۲ کاهش‌یافته است. چین مثال گویایی در این زمینه است. این کشور در سال ۲۰۰۱ به عضویت سازمان تجارت جهانی پذیرفته شد، به این امید که اصلاحات سیاسی به‌دنبال اصلاحات اقتصادی صورت گیرد اما با باز شدن اقتصاد

ادامه در صفحه ۱۵

آگهی نوبتی و تحدید حدود اختصاصی تقاضای ثبت ملک حوزه ثبتی سوادکوه شمالی

املاکی که مطابق ماده ۱۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۰۲ و آیین‌نامه مربوطه در هیات حل اختلاف منجر به صدور رای می‌گردد به شرح زیر آگهی می‌شود:
املاک متقاضی واقع در قریه کتی‌لته پلاک ۳۱۳ فرعی ۱۸۵ اصلی بخش ۱۵ حوزه ثبت سوادکوه شمالی به مالکیت زهراگلی‌تاری نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۴۳۹/۱۰ مترمربع خریداری بدون واسطه از الهه خاک‌زاد مالک رسمی.
لذا کسانی که نسبت به املاک فوق اعتراض دارند می‌توانند به استناد ماده ۱۶ قانون ثبت از تاریخ اولین انتشار به مدت ۹۰ روز درخواست واخواهی خود را به این اداره تسلیم و رسید دریافت دارند. اگر بین تقاضاکننده و دیگری قبل از انتشار این آگهی دعوایی در مراجع قضایی اقامه شده باشد معترض باید گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره تحویل دهد. در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است. درصورتی که اعتراض در مهلت قانونی تسلیم نگردد یا گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل، به این اداره تحویل نشود اداره ثبت اقدام به صدور سند مالکیت می‌نماید. این آگهی در ۲ نوبت به فاصله ۳۰ روز منتشر خواهد شد. ضمنا املاک مذکور که طبق ماده ۱۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۰۲ آگهی گردید مضافا اشخاصی که نسبت به آگهی نوبتی اعتراض دارند از تاریخ اولین انتشار به مدت ۹۰ روز و کسانی که نسبت به حدود ملک اعتراض دارند از تاریخ انتشار به مدت ۳۰ روز اعتراض خود را کتبا به این اداره اعلام و ظرف مهلت تعیین‌شده گواهی تقدیمی دادخواست را ارائه نمایند.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۲/۰۱ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۳/۰۱
میم الف: ۱۷۰۰۹۷۹
حامد خاوری کردآسیابی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک سوادکوه شمالی

کانون تبلیغاتی
سپهرجوان
۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹
مجری انحصاری
تبلیغات محیطی
دانشگاه آزاد اسلامی

مدرسه عالی مهارتی
رسانه‌ای فرهیختگان
۰۹۱۰۸۱۰۶۵۳۵
Farhikhteghan_school

مدرک موقت فارغ‌التحصیلی مونا گلچین فرزند غلامرضا به شناسنامه ۱۹۹۰۳۹۷۵۸۱ صادره از دزفول در مقطع کارشناسی ارشد رشته تحصیلی راهنمایی و مشاوره صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۲/۰۰۸۰۴۳ مورخ ۱۴۰۰/۸/۱۸ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگشهر) خیابان کارگر جنوبی کدپستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب مهدی اسلامی الوارس فرزند حسن به شماره ملی ۶۰۳۹۹۲۹۰۱۴ و شماره شناسنامه ۲۹ صادره از اردبیل در مقطع کاردانی رشته کامپیوتر صادره از واحد دانشگاهی اسلامشهر با شماره سریال ۰۸۷۵۳۳۱ مفقود گردیده است و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر به نشانی اسلامشهر - میدان نماز - خیابان شهید صیاد شیرازی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر ارسال نماید.

مدرک فارغ‌التحصیلی جعفر مجدمی فرزند محمد به شماره شناسنامه ۸۱۰ صادره از اهواز در مقطع کارشناسی رشته تحصیلی زراعت و اصلاح نبات صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۲۸۶۰۴۸ مورخ ۱۳۷۹/۰۶/۱۲ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگ شهر) خیابان کارگر جنوبی کد پستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای سیدمحسن هاشمی کوچک‌سرایی با ارائه دو برگ استشهادیه المثنی که در دفترخانه ۱۷۲ بابل تصدیق امضا شده و طی درخواست ۱۴۰۳۲۱۷۱۰۰۰۴۰۰۰۷۲۲ مورخ ۱۴۰۳/۰۱/۱۱ اعلام نمود سند مالکیت ششدانگ پلاک ۸ فرعی از باقیمانده ۱ فرعی از ۱۸۸۲ و باقیمانده ۲ فرعی از ۱۸۸۲ - اصلی بخش یک شرق ثبت بابل که در اجرای استانداردسازی به پلاک ۸ فرعی از ۱۸۸۲ - اصلی اصلاح و استاندارد گردیده و سند مالکیت آن ذیل دفتر ۱۰۱ صفحه ۵۰ و ثبت ۸۸۸۳ به نام ایشان صادر و تسلیم گردیده بود در اثر جابه‌جایی اعلام مفقودی نموده‌اند در اجرای ماده ۱۲۰ - اصلاحی آیین‌نامه قانون ثبت و تبصره‌های ذیل آن درصورتی‌که تا ۱۰ روز تا انتشار آگهی اعتراضی نرسیده یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشده باشد نسبت به صدور سند المثنی اقدام خواهد شد. ضمنا برابر نامه ۸۹۰۰۴۷ مورخ ۱۳۸۹/۰۱/۱۵ بازداشت می‌باشد.
شماره سریال مفقودی ۲۸۲۲۶۳ می‌باشد.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۲/۰۱ - میم الف: ۱۷۰۰۷۱۵
سیدمهدی حسینی کریمی – رییس اداره ثبت اسناد و املاک بابل

آگهی نوبتی حاوی تحدید حدود سه ماهه چهارم ۱۴۰۲ اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بابل
نظر به دستور ماده ۱۱ قانون ثبت اسناد و املاک و به موجب ماده ۵۹ آیین‌نامه اجرایی قانون مذکور املاکی که در سه ماهه چهارم سال ۱۴۰۲ در بخش‌های تابعه اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بابل درخواست ثبت پذیرفته شده است به شرح ذیل آگهی می‌شود:
بخش یک شرق بابل
الف) اراضی بابل
خانم سرور یدالله‌زاده عالمی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۵۴/۲۳ متر مربع پلاک ۲۵۸۷/۷۷ اصلی به عنوان مالکیت
بخش دو غرب بابل
ب) اراضی حمزه‌کلا
۱- خانم هاجر میرگلی طبری نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۳۱۸/۹۰ مترمربع پلاک ۲۳۲۶/۱۵۷/۱۳۱۳۲ - اصلی به عنوان مالکیت
۲- آقای محمدابراهیم مهرائی حمزه‌کلائی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۲۱۸/۸۵ متر مربع پلاک ۲۳۲۶/۳۷۳/۱۳۱۵۳ - اصلی به عنوان وقف
۳- خانم انسیه حداد حقیقی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۲۷۸/۸۹ مترمربع پلاک ۲۳۲۶/۱۷۳/۱۳۱۵۵ - اصلی به عنوان مالکیت
۴- آقای سیدرضا حسینی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۲۱۳/۲۰ مترمربع پلاک ۲۳۲۶/۱۳۵/۱۳۱۹۰ - اصلی به عنوان مالکیت
پ) اراضی امیرکلا
۱- آقای ابوالفضل ضیائی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۸۷/۳۷ مترمربع پلاک ۴۸۶۴/۲/۵۱۴ - اصلی به عنوان مالکیت
لذا مطابق ماده ۱۶ و ۱۷ قانون ثبت هر کس نسبت به املاک نامبرده در آگهی نوبتی اعتراضی دارد از تاریخ انتشار اولین آگهی نوبتی ظرف مدت ۹۰ روز اعتراض خود را مستقیما به این اداره ارسال و از تاریخ تسلیم اعتراض وفق ماده ۸۶ آیین‌نامه اصلاحی قانون ظرف مدت یک ماه دادخواست به مرجع قضائی تسلیم، گواهی مربوطه را اخذ و به این اداره ارائه نماید و الاین اداره برابر مقررات به وظیفه قانونی خود عمل می‌نماید یا اینکه فیمابین مستدعی ثبت و دیگران قبل از انتشار آگهی نوبتی دعوایی اقامه شده و در جریان رسیدگی باشد. کسی که طرف دعوی با تقاضاکننده است می‌بایست از تاریخ انتشار اولین آگهی ظرف مدت ۹۰ روز مطابق ماده ۱۷ قانون ثبت تصدیق محکمه را دائر به جریان دعوی به این اداره تسلیم کند و الاحق او ساقط خواهد شد. ضمنا حقوق ارتفاقی در موقع تحدید حدود ضمن صورت مجلس ذکر می‌گردد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۲/۰۱ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۳/۰۱
میم الف: ۱۷۰۰۵۲۱ - حسینی کریمی - رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان بابل

ادامه از صفحه ۱۴

دولت سرکوبگرتر شد.

ظهور چین - که اکنون بزرگ‌ترین اقتصاد جهان را از نظر برابری قدرت خرید دارد - به دوران هژمونی ایالات‌متحده پایان داده است. اکنون رقابت بین پکن و واشنگتن به جهان شکل می‌دهد. پکن نظم تحت‌رهبری ایالات‌متحده را تقریبا در هر حوزه‌ای از توسعه فناوری‌ها و زنجیره تامین سبز در آینده گرفته تا تامین منابع و پردازش مواد خام حیاتی به چالش می‌کشد اما رقابت به‌ویژه درباره امنیت شدید است. نیروی دریایی چین بیشترین تعداد کشتی جنگی را در جهان دارد. براساس گزارش مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی، ظرفیت کشتی‌سازی چین تقریبا ۲۳۰ برابر ایالات‌متحده است. قدرت نظامی رو به رشد پکن به نوبه خود چالش کشیدن اروپا توسط روسیه را تسهیل کرده است. برای رقابت با چین، ایالات‌متحده ناگزیر باید توجه بیشتری به منطقه هند-آرام داشته باشد، البته این تغییر درحالی صورت خواهد گرفت که اروپا به‌طور نگران‌کننده‌ای به حمایت ایالات‌متحده برای توقف جنگ مسکو علیه اوکراین وابسته است.

چین تنها قدرت درحال رشد جهان نیست. گروه گسترده‌ای از دولت‌ها-ازجمله برزیل، هند، عربستان‌سعودی و امارات متحده عربی- مدعی تصدی کرسی‌های این میز هستند. کشورهای مذکور و چند کشور دیگر قدرت شکل دادن به محیط منطقه‌ای خود را دارند و اتحادیه اروپا، بریتانیا و ایالات‌متحده را بیش‌ازپیش نادیده می‌گیرند. در قرن بیستم برخی از این دولت‌ها با بلوک‌های رقیب تحت‌رهبری ابرقدرت‌ها همسو شدند. اما امروز برای به حداکثر رساندن استقلال خود، با تمام قدرت‌های بزرگ معامله می‌کنند. بی‌تفاوتی مشخص آنها به بسیاری از درخواست‌های ایالات‌متحده تا حدی نتیجه مداخلات نظامی آشفته غرب در دهه‌های اول قرن جاری است. شکست‌های افغانستان، عراق و لیبی این ایده را تضعیف کرد که مداخله‌گرایی لیبرال، همان‌طور که بلر در سال ۱۹۹۹ بیان کرده بود «ترکیبی ظریف از منافع شخصی متقابل و اهداف اخلاقی است و درحقیقت اکنون به آن به‌عنوان دستورالعملی برای بی‌نظمی نگاه می‌شود.»

اگر دولت بریتانیا به واقع‌گرایی مترقی پایبند باشد، این اشتباهات را تکرار نخواهد کرد. دهه گذشته همچنین روشن کرده که انفعال هزینه‌های بالایی دارد. این واقعیت که ایالات‌متحده خط قرمز خود را دربرابر استفاده از سلاح‌های شیمیایی در سوریه رعایت نکرد، نه‌تنها رژیم هیولایی بشار اسد رئیس جمهور سوریه را تثبیت کرد، بلکه ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه را نیز جسور کرد. پوتین به این نتیجه رسید که غرب دیگر شجاعت دفاع از نظم مبتنی‌بر قوانین را ندارد و با الحاق کریمه منطق آنچه دیوید میلیبند وزیر خارجه سابق عضو حزب کارگر، آن را «عصر مصونیت» نامیده بود، به‌کار گرفت. زمانی هم که غرب تنها با تحریم‌های خفیف به این تحریک پاسخ داد، پوتین به این باور رسید که می‌تواند اساسا نظم جهانی را در سال ۲۰۲۲ برهم بزند.

البته غرب اکنون بالاخره تهدیدهای مسکو را جدی گرفته است. کشورهای اروپایی به‌طور فزاینده‌ای روسیه را به‌عنوان یک تهدید بلندمدت و نسلی می‌شناسند که مستلزم یک واکنش بلندمدت و نسلی است. این امر مستلزم استقامت و عزمی از نوع بوین است اما غرب هنوز نتوانسته حمایت بسیاری از کشورهای کلیدی را جلب کند. همان‌طور که فیونا هیل، یکی از مدیران ارشد سابق شورای امنیت ملی ایالات‌متحده در سال ۲۰۲۳ اظهار داشته، این جنگ به موردی نیابتی برای شورش «بقیه» علیه غرب تبدیل شده است. در رای‌گیری مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی دو سال گذشته، کشورهایی که مجموعا دوسوم جمعیت جهان را نمایندگی می‌کنند، به طرح‌های محکومیت پوتین رای ممتنع یا منفی داده‌اند. بسیاری از این کشورها تلاش‌های غرب برای متقاعد کردن آنها را رد کرده‌اند، غرب را به داشتن استانداردهای دوگانه متهم و خاطرنشان کرده‌اند که علاقه غرب به نیازهای آنها در بهترین حالت نامنظم بوده است. با توجه به احتکار واکسن‌های کووید-۱۹ توسط غرب و اقدام ناکافی آن برای کاهش تلفات و آسیب‌های آب‌وهوایی، آنها محق هستند.

دور و نزدیک

رسیدگی به وضعیت بد جهانی امنیتی که بریتانیا با آن مواجه است وظیفه اصلی و اولین مسئولیت سیاست خارجی دولت این کشور است. این سیاست همیشه مبتنی‌بر روابط با ایالات‌متحده و اروپا خواهد بود. این دو قدرت سنگ‌بناهایی هستند که بریتانیا امنیت خود را روی آنها احداث می‌کند؛ اما روابط لندن با هر دو باید تکامل یابد. آمریکایی‌ها به‌شدت نیاز دارند متقاعد شوند که اروپایی‌ها برای محافظت از امنیت قاره خود به‌اندازه کافی تلاش می‌کنند. از آنجایی هم که ایالات‌متحده در حال تمرکز بیشتر بر آسیا است آزادی عمل کمتری برای اقدام در جاهای دیگر خواهد داشت. بریتانیا آماده گفت‌وگوهای دشوار درمورد تقسیم مسئولیت است؛ البته تا آنجا که این مذاکرات بخشی از یک فرآیند جدی برای تقویت امنیت جمعی باشند.

برای مدیریت این تغییرات، گسترش همکاری‌های خارجی و امنیتی نزدیک‌تر بریتانیا با اتحادیه اروپا از اهمیت بسیاری برخوردار است. هر دو طرف باید درباره اهمیت این لحظه صادق باشند. از اوکراین گرفته تا غزه و ساحل، یک موج درگیری و بی‌ثباتی در داخل و نزدیک مرزهای اروپا وجود دارد که به‌طور یکسان بر منافع بریتانیا و این قاره تاثیر می‌گذارد. با این حال اتحادیه اروپا و دولت بریتانیا هیچ ابزار رسمی برای همکاری ندارند. برای رسیدگی به این مشکل، بریتانیا باید به دنبال یک مشارکت ژئوپلیتیکی جدید با اتحادیه اروپا باشد. محور این رابطه باید یک پیمان امنیتی باشد که هماهنگی نزدیک‌تر را در طیف گسترده‌ای از مسائل نظامی، اقتصادی، آب‌وهوایی، بهداشت، سایبری و امنیت انرژی ایجاد کند - و مکمل تعهد تزلزل‌ناپذیر هر دو طرف به ناتو که مهم‌ترین ابزار حفظ امنیت اروپا خواهد بود، باقی بماند. بریتانیا همچنین باید روابط نزدیک خود را با فرانسه، آلمان، ایرلند و لهستان دوچندان کند. برای مثال لندن باید توافقنامه دفاعی بریتانیا و آلمان را دنبال کند تا این توافقنامه نیز درکنار معاهدات موسوم به لنکستر هاوس که در سال ۲۰۲۰ با فرانسه امضا شده است، قرار گیرند.

مهم‌تر از همه بریتانیا می‌بایست به حمایت از اوکراین ادامه دهد. آینده امنیت اروپا به نتیجه جنگ در این کشور بستگی دارد؛ دولت بریتانیا باید کرملین را مطمئن سازد تا زمانی که برای رسیدن به پیروزی لازم باشد از کی‌یف حمایت خواهد کرد. هنگامی هم که اوکراین پیروز شد بریتانیا باید نقش رهبری را در کسب جایگاهی برای اوکراین در ناتو ایفا کند.

امنیت اروپا اولویت سیاست خارجی حزب کارگر خواهد بود اما دولت بریتانیا نمی‌تواند منحصرا روی این قاره تمرکز کند. واقع‌گرایی همچنین به معنای درک این موضوع است که نقش منطقه هند-آرام برای رفاه و امنیت جهانی در دهه‌های آینده اساسی خواهد بود، بنابراین بریتانیا باید تعامل خود را با این منطقه تقویت کند. لندن با کمک به تاسیس آکس- یک پیمان زیردریایی هسته‌ای و فناورانه بین استرالیا، بریتانیا و ایالات‌متحده- شروع خوبی در این زمینه داشته است. با این حال دولت بریتانیا باید همکاری با آکس را به‌عنوان یک کف و نه یک سقف تلقی کند. لندن همچنین باید روابط منطقه‌ای دیگری را نیز با تعمیق مشارکت امنیتی خود با ژاپن و کره‌جنوبی ایجاد کند. هند که بریتانیا از طریق پیوندهای خانوادگی بی‌شماری با آن ارتباط نزدیکی دارد، قرار است تا سال ۲۰۳۰ تبدیل به سومین اقتصاد بزرگ جهان شود اما دولت بریتانیا هنوز نتوانسته است با دهلی‌نو یک توافق تجاری را که مدت‌هاست وعده آن را داده است به سرانجام برساند.

کشور بعدی چین است. رویکرد بریتانیا به این کشور طی ۱۴ سال گذشته به‌شدت دچار نوسان بوده است. دیوید کامرون، نخست‌وزیر سابق در سال ۲۰۱۵ به دنبال ایجاد «دوران طلایی» تعامل با پکن بود؛ اما وقتی که لیز تراس در سپتامبر ۲۰۲۲ به نخست‌وزیری رسید شرایط خصومت آشکار بر روابط دو کشور حاکم شد. سیاست بریتانیا دوباره در زمان نخست‌وزیری ریشی سوناک که در اواخر سال ۲۰۲۳ دیوید کامرون را به‌عنوان وزیر امور خارجه خود منصوب کرد وارد وضعیت ابهام شده است.

اما بریتانیا باید راهبرد منسجم‌تری اتخاذ کند؛ راهبردی که به‌طور همزمان چین را به چالش بکشد، با آن رقابت کند و درصورت لزوم با آن همکاری کند. در چنین رویکردی تشخیص داده می‌شود پکن یک چالش نظام‌مند برای منافع بریتانیا ایجاد می‌کند و حزب کمونیست چین نیز یک تهدید امنیتی واقعی به شمار می‌رود. در عین حال اهمیت چین برای اقتصاد بریتانیا نیز باید به رسمیت شناخته شود. لندن باید بپذیرد که هیچ گروهی از دولت‌ها نمی‌توانند تهدیدات جهانی بحران آب‌وهوایی، بیماری‌های همه‌گیر و هوش مصنوعی را بدون همکاری با پکن برطرف کنند. بین «ریسک‌زدایی» و «زوج‌زدایی» تفاوت اساسی وجود دارد و این به نفع همه است که روابط چین با غرب پایدار مانده و تکامل یابد.

من به‌عنوان وزیر امور خارجه سایه بریتانیا سفرهای زیادی به شمال آفریقا و خاورمیانه ازجمله به بحرین، مصر، اسرائیل، اردن، قطر، عربستان‌سعودی، ترکیه، امارات متحده عربی و سرزمین‌های اشغالی فلسطین داشته‌ام که همه شرکایی حیاتی برای بریتانیا در این دهه خواهند بود، به‌ویژه اینکه لندن به دنبال بازسازی غزه و - در اسرع وقت - تحقق راه‌حل دوکشوری است. از آغاز جنگ اسرائیل و حماس حزب کارگر به اصول مترقی پایبند بوده و فورا خواستار رعایت کامل قوانین بین‌المللی توسط همه طرف‌ها شده است. بریتانیا نمی‌تواند به این درگیری وحشتناک پایان دهد؛ هدف اصلی حزب کارگر همکاری با شرکای بین‌المللی برای به رسمیت شناختن فلسطین به‌عنوان یک کشور و به‌عنوان کمکی به تضمین راه‌حل دوکشوری از طریق مذاکره به شمار می‌رود.

رئالیسم مترقی اذعان دارد که در مقاطعی در قرن بیستم قدرت‌های غربی حاکمیت دولت‌های ضعیف‌تر، به‌ویژه در جنوب جهانی را تضعیف کرده‌اند؛ اما در قرن بیست‌ویکم یک دولت کارگر رسالت خود را حمایت از حاکمیت دولت‌ها در برابر نیروهایی مانند نئوامپریالیسم روسیه، تغییرات آب‌وهوایی و فساد خواهد دانست. به همین دلیل است که رئالیسم مترقی برای اوکراین، اسرائیل و فلسطین به دنبال چیزی یکسان است؛ هر کدام از آنها باید یک کشور مستقل، امن و به‌رسمیت شناخته‌شده بین‌المللی و در صلح با همسایگان خود باشند.

علاوه‌بر این در دنیای امروز دولت‌های غربی باید با جنوب جهانی شریک شوند. در اینجا نقشی بالقوه برای تشکیل یک گروه مشترک‌المنافع احیاشده وجود دارد. دولت ما به‌ویژه برای مقابله با بحران آب‌وهوایی که شاید عمیق‌ترین و جهانی‌ترین منبع بی‌نظمی باشد، تلاش خواهد کرد. در این میان واکنش جهان تاکنون - صرف حدود دو تریلیون دلار برای گذار سبز تنها در سال گذشته – بعضا روشن‌ترین نقطه در این حوزه بوده است اما قدرت‌های پیشرو هنوز به‌اندازه کافی برای جلوگیری از فاجعه تلاش نکرده‌اند و تقلا برای به دست آوردن مواد خام حیاتی که اکنون در مرکز سیاست خارجی همه قدرت‌های بزرگ قرار دارد، به کشورهای فقیرتر کمک نخواهد کرد تا هزینه این گذار را بپردازند. واقع‌گرایی مترقی نیازمند رویکردی مشارکتی‌تر است. واقع‌گرایان می‌دانند که اگر عدالت بخشی از تلاش‌های جهانی آب‌وهوایی نباشد شکست خواهد خورد.

واقع‌گرایی مترقی همچنین به معنای درک این موضوع است که تغییرات آب‌وهوایی تنها تهدید پیش‌روی کره زمین نیست. تغییرات فناورانه نیز با دامن زدن به نابرابری و پوپولیسم به بی‌نظمی در جهان جدید کمک می‌کند. جنبش‌هایی که به ارزش‌های لیبرال حمله می‌کنند هم از طریق شبکه‌های اجتماعی که از الگوریتم‌هایی برای تقویت مواضع افراطی سود می‌برند، افزایش یافته‌اند. ظهور هوش مصنوعی پتانسیل عظیمی برای رشد و نوآوری ارائه می‌دهد اما هوش مصنوعی در حال حاضر سرکوب آزادی، انتشار اطلاعات نادرست و تضعیف فرآیندهای دموکراتیک را برای بازیگران بد تسهیل کرده است. برای به حداقل رساندن این خطرات واقع‌گرایان مترقی باید با گسترده‌ترین ائتلاف ممکن از کشورها - قبل از اینکه خیلی دیر شود - نرده‌های محافظ جهانی برای فناوری ایجاد کنند.

نهایتا واقع‌گرایی مترقی به معنای پیش‌بینی چگونگی تغییر پویایی بین قاره‌هاست. تا سال ۲۰۵۰ از هر چهار نفر روی کره‌زمین بیش از یک نفر در آفریقا زندگی خواهد کرد. این قاره رشد گسترده‌ای را ایجاد خواهد کرد. با این حال اگر کوک اکنون زنده بود، از دیدن فقری که در این قاره، علی‌رغم تلاش‌های نسل او وجود دارد، ناامید می‌شد؛ بنابراین دولت بعدی کارگر باید یک استراتژی جدید برای آفریقا ایجاد کند که چیزی فراتر از ارائه کمک باشد. بریتانیا باید بار دیگر به یک رهبر توسعه‌ای تبدیل شود، اما برای انجام این کار باید مدلی را اتخاذ کند که بر تجارت با سایر کشورها برای ایجاد مشارکت‌های برد-برد بلندمدت تاکید کند، به‌جای پیروی از یک مدل منسوخ حمایتی.

رشد سریع‌تر، گرم شدن آهسته‌تر

برای تحقق جاه‌طلبی‌های خود، دولت بعدی بریتانیا باید اقتصادش را احیا کند. این واقعیت تکان‌دهنده است که بریتانیا که از لحاظ تاریخی کشوری تجاری به شمار می‌رود، اکنون کمترین میزان سرمایه‌گذاری را در بین کشورهای دیگر عضو گروه ۷ دارد. یک اقتصاد موفق بستر شکوفایی داخلی و نفوذ جهانی ماست، به همین دلیل است که استارمر متعهد شده درصورت انتخاب به‌عنوان نخست‌وزیر، این کشور بالاترین رشد پایدار را در گروه ۷ خواهد داشت. وزارت خارجه می‌تواند با احیای دیپلماسی اقتصادی به تحقق این هدف کمک کند. برای این منظور اگر من به‌عنوان وزیر امور خارجه انتخاب شوم، یکی از اولویت‌های سفرای بریتانیا در هر کشور ترویج سرمایه‌گذاری در آن دولت خواهد بود. من همچنین یک شورای مشورتی تجاری جدید تشکیل خواهم داد تا اطمینان حاصل شود که نیازهای شرکت‌ها مدنظر تفکر دیپلماتیک ماست. برای ایجاد رفاه در داخل، بریتانیا باید خود را به‌عنوان یک شریک قابل اعتماد دوباره تثبیت کند به‌ویژه در نزد متحدان خود. به همین دلیل است که حزب کارگر به‌دنبال بهبود روابط تجاری و سرمایه‌گذاری با اروپا و همچنین با هند و ایالات‌متحده است. برگزیت دیگر قطعی شده است و یک دولت کارگری به‌دنبال پیوستن مجدد به اتحادیه اروپا، بازار واحد یا اتحادیه گمرکی را دنبال نخواهد کرد. با این حال گام‌های عمل‌گرایانه زیادی وجود دارد که می‌توانیم برای بازسازی اعتماد و همکاری و کاهش موانع تجارتی برداریم.

یک دولت کارگری در زمینه گذار سبز نیز سرمایه‌گذاری خواهد کرد. کشورهای سراسر جهان به‌شدت برای جذب سرمایه خصوصی در حوزه فناوری پاک با یکدیگر رقابت می‌کنند، رقابتی که با قانون کاهش تورم ایالات‌متحده و قرارداد سبز اتحادیه اروپا تشدید شده است. بریتانیا نباید از ورود به این مسابقه هراس داشته باشد. برای مثال یک دولت کارگری یک صندوق ثروت ملی جدید ایجاد خواهد کرد و در زمینه هیدروژن، انرژی‌های تجدیدپذیر، فولاد سبز و سایر صنایع سازگار با آب‌وهوا سرمایه‌گذاری می‌کند تا بازدهی بلندمدتی برای مالیات‌دهندگان فراهم کند. اصل کلیدی ما استفاده از سرمایه‌گذاری عمومی برای باز کردن سرمایه‌گذاری خصوصی بیشتر است. اما رویکرد ما به تغییرات اقلیمی صرفا بر توسعه داخلی متمرکز نخواهد بود.

دیپلماسی آب‌وهوایی در مرکز واقع‌گرایی مترقی قرار دارد و یک دولت کارگری پیشبرد مبارزه با انتشار گازهای گلخانه‌ای را در دستورکار خود قرار خواهد داد؛ اما رویکرد ما به تغییرات اقلیمی صرفا بر توسعه داخلی متمرکز نخواهد بود. دیپلماسی آب‌وهوایی در مرکز واقع‌گرایی مترقی قرار دارد و یک دولت کارگری پیشبرد مبارزه با گازهای گلخانه‌ای را در دستورکار قرار خواهد داد. مثلا ما بر کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای از سوی شرکای خود با ایجاد یک «اتحاد قدرت پاک» -درواقع اوپک معکوس- متشکل از کشورهایی که متعهد به پیشروی در کربن‌زدایی هستند، متمرکز خواهیم بود. دولت ما همچنین به اصلاح موسسات مالی بین‌المللی کمک خواهد کرد تا حمایت بسیار بیشتری از سازگاری آب‌وهوایی ارائه دهند.

اما برای تبدیل‌شدن به یک قدرت سبز، بریتانیا باید شهرت و ابزارهای خود را ارتقا دهد. این کشور باید صدور مجوزهای جدید برای اکتشاف نفت و گاز در دریای شمال را متوقف کند. همچنین باید تا سال ۲۰۳۰ سیستم برق خود را کربن‌زدایی کند.

دستیابی به آخرین هدف مستلزم استفاده گسترده از انرژی‌های تجدیدپذیر است. برنامه حزب کارگر شامل سه برابر کردن استفاده از انرژی خورشیدی، چهار برابر کردن استفاده از نیروی بادی فراساحلی، دو برابر کردن میزان به کارگیری نیروی بادی خشکی و توسعه انرژی هسته‌ای، هیدروژنی و جزر و مدی است. این امر بدان معناست که بریتانیا باید سرمایه‌گذاری‌های خارجی و مشارکت‌های تنظیم‌گرانه جدیدی ایجاد کند. از آنجایی که منابع موردنیاز برای کربن‌زدایی اقتصادها فراتر از مرزهاست، هیچ کشوری بدون همکاری بین‌المللی نمی‌تواند «سبز» شود. یک دولت کارگری با ایجاد شبکه جدیدی از دیپلمات‌های اقلیمی و انرژی به تقویت چنین همکاری‌هایی یاری خواهد رساند. این افراد به دولت ما کمک می‌کنند یکی از باورهای مستحکم کوک را عملی سازیم؛ اینکه سیاست خارجی باید نتایج بهتری برای همه داشته باشد.

بریتانیای کبیر

با توجه به بی‌نظمی، درگیری‌ها و بحران‌های موجود در جهان، ناامیدی آسان است. جنگ‌ها در حال گسترش است و تنش‌ها بین قدرت‌های بزرگ در حال افزایش است. تغییرات آب‌وهوایی همه قاره‌ها را در معرض آب‌وهوای شدید مرگبار قرار داده و خشک‌سالی و قحطی را برانگیخته است. با این حال بریتانیا می‌تواند خواسته‌های این دوره جدید را تحقق بخشد. این کشور ششمین اقتصاد بزرگ جهان بوده و مرکز فناوری، خدمات، دانشگاه‌های پیشرو، بخش‌های حقوقی نوآورانه و صنایع فرهنگی پرجنب‌وجوش به شمار می‌رود. لندن همچنین پتانسیل بی‌نظیری برای ایجاد مشارکت و اتحاد دارد. اگر بریتانیا بتواند اتحادهای خود را تجدید کرده و اعتمادبه‌نفس خود را بازیابد، قادر خواهد بود پیشرفت کند و شهرت خود را به‌عنوان یک مشارکت‌کننده خالص در امنیت و توسعه جهانی احیا کند. بریتانیا می‌تواند یک‌بار دیگر انتخاب کند در برابر چالش‌های نسل امروزی قیام کرده و مسیر جدیدی را با استفاده از بهترین تجربیات گذشته خود طی کند.

برای انجام این کار، بریتانیا باید از آنچه واقعا بهترین مزیت تاریخی آن است، استفاده کند. اگر پاسخ دولت به مسائل جهان ریشه در نوستالژی و انکار حزب محافظه‌کار داشته باشد، در اجرای توافقات چندجانبه موردنیاز برای حل مشکلات جهانی شکست خواهد خورد. اگر مترقی‌ها فراموش کنند دیپلماسی به معنای کار با کسانی است که همیشه ارزش‌های دموکراتیک را ندارند، منافع بریتانیا لطمه خواهند دید. اگر دولت نتواند چشم‌انداز مترقی جسورانه ترسیم کند، هدف خود را فراموش کرده و اگر قادر نباشد امنیت ملی و منطقه‌ای خود را تضمین کند، در اساسی‌ترین وظیفه خود شکست خورده است.

سیاست مترقی بدون واقع‌گرایی، آرمان‌گرایی توخالی خواهد بود. رئالیسم نیز بدون میزانی از ترقی‌گری نفع‌طلبانه و تاکتیکی خواهد بود، اما زمانی که مترقی‌ها واقع‌گرایانه و عمل‌گرایانه کنشگری کنند، جهان را دچار تغییر می‌کنند. بریتانیا نیاز مبرمی به سیاست خارجی دارد که بهترین ویژگی‌های بوین و کوک را ترکیب کند. لندن نیازمند یک واقع‌گرایی مترقی است که با بینشی روشن و امیدوارانه از نقش بریتانیا در جهان، عصر جدید احیای خود را آغاز کند.

آگهی نوبتی و تحدید حدود اختصاصی تقاضای ثبت ملک حوزه ثبتی سوادکوه شمالی
املاکی که مطابق ماده ۱۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۰۲ و آیین‌نامه مربوطه در هیات حل اختلاف منجر به صدور رای می‌گردد به شرح زیر آگهی می‌شود: املاک متقاضی واقع در قریه نوآباد پلاک ۵۴ فرعی ۲۰۹ اصلی بخش ۱۵ حوزه ثبت سوادکوه شمالی به مالکیت سهیل کامیاب نسبت به شش دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۷۸۷/۱۷ متر مربع خریداری بدون واسطه از سپهر کامیاب مالک رسمی. لذا کسانی که نسبت به املاک فوق اعتراض دارند می‌توانند به استناد ماده ۱۶ قانون ثبت از تاریخ اولین انتشار به مدت ۹۰ روز درخواست واخواهی خود را به این اداره تسلیم و رسید دریافت دارند. اگر بین تقاضاکننده و دیگری قبل از انتشار این آگهی دعوایی در مراجع قضایی اقامه شده باشد معترض باید گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره تحویل دهد در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است. درصورتی‌که اعتراض در مهلت قانونی تسلیم نگردد یا گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل به این اداره تحویل نشود اداره ثبت اقدام به صدور سند مالکیت می‌نماید. این آگهی در دو نوبت به فاصله ۳۰ روز منتشر خواهد شد. ضمنا املاک مذکور که طبق ماده ۱۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۰۲ آگهی گردید مضافا اشخاصی که نسبت به آگهی نوبتی اعتراض دارند از تاریخ اولین انتشار به مدت ۹۰ روز و کسانی که نسبت به حدود ملک اعتراض دارند از تاریخ انتشار به مدت ۳۰ روز اعتراض خود را کتبا به این اداره اعلام و ظرف مهلت تعیین‌شده گواهی تقدیمی دادخواست را ارائه نمایند.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۲/۰۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۳/۰۱
میم الف: ۱۷۰۰۹۰۴
حامد خاوری کردآسیابی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک سوادکوه شمالی

کانون تبلیغاتی
سپهرجوان
۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹
مجری انحصاری
تبلیغات محیطی
دانشگاه آزاد اسلامی

مدرسه عالی مهارتی
رسانه‌ای فرهیختگان
۰۹۱۰۸۱۰۶۵۳۵
Farhikhteghan_school

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی

آگهی مزایده عمومی – نوبت اول

مرکز آموزشی، پژوهشی و درمانی سل و بیماری‌های ریوی دکتر مسیح دانشوری
وابسته به دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی

مرکز آموزشی، پژوهشی، درمانی سل و بیماری‌های ریوی دکتر مسیح دانشوری در نظر دارد محل واحد کپی را جهت ارائه خدمات کپی واقع در محوطه بیمارستان روبروی ساختمان امیرکبیر، به مساحت تقریبی ۲۰ مترمربع، به‌صورت اجاره از طریق مزایده عمومی به اشخاص حقیقی و حقوقی واجد صلاحیت واگذار نماید. لذا از متقاضیان شرکت در این مزایده دعوت می‌گردد، جهت دریافت و تحویل اسناد مزایده به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir مراجعه نمایند.
۱- **موضوع مزایده:** واگذاری استیجاری محل واحد کپی به منظور ارائه خدمات کپی و خدمات مشابه
۲- **زمان انتشار در سایت:** از ساعت: ۸ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۳/۲/۱
۳- **مهلت دریافت اسناد مزایده:** تا ساعت ۱۴ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۳/۲/۵
۴- **آخرین مهلت بارگذاری پیشنهادها:** تا ساعت ۱۴ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۳/۲/۱۶ می‌باشد.
۵- **تاریخ بازدید:** از تاریخ ۱۴۰۳/۲/۲ لغایت ۱۴۰۳/۲/۱۳ از ساعت ۹ صبح الی ۱۳ می‌باشد.
۶- **زمان بازگشایی پاکت‌ها:** پیشنهادات واصله راس ساعت ۱۰ صبح روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۳/۲/۱۸ توسط کمیسیون مزایده واقع در دفتر مدیریت بیمارستان باز و قرائت خواهد شد.
۷- **میزان و نوع تضمین شرکت در مزایده:** به سه صورت ضمانت‌نامه بانکی، واریز وجه نقد و گواهی خالص مطالبات قطعی تاییدشده قراردادها - مبلغ تضمین: ۴۳,۵۰۰,۰۰۰ ریال
۸- شماره حساب سپرده ۴۰۰۱۰۹۹۹۰۷۱۴۷۳۸۶ و شماره شبای (IR۷۲۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۰۹۹۹۰۷۱۴۷۳۸۶) نزد بانک مرکزی به نام مرکز آموزشی، پژوهشی، درمانی سل و بیماری‌های ریوی دکتر مسیح دانشوری
۹- شماره فراخوان در سامانه ستاد ایران ۵۰۰۳۰۰۵۸۶۰۰۰۰۰۰۲ می‌باشد.
۱۰- هزینه انتشار آگهی به عهده برنده مزایده می‌باشد.

دانشنامه فارغ‌التحصیلی این جانب زهرا زندیان جزی فرزند محمد به شماره شناسنامه ۱۱۲۴ و شماره ملی ۰۰۷۵۳۶۷۴۴۰ صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته شیمی کاربردی صادره از واحد دانشگاهی تهران شمال به شماره ۱۶۸۵۱۵۷۰۰۳۲۷ مورخ ۱۳۸۵/۱۰/۱۳ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود دانشنامه را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال به نشانی: تهران، بزرگراه شهید بابایی (غرب به شرق) خروجی حکیمیه، خیابان شهید صدوقی، بلوار وفادار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال ارسال نماید.

مدرک فارغ‌التحصیلی جهانگیر لنجانی فرزند علی آقا به شماره شناسنامه ۱۷۷ صادره از رامهرمز در مقطع کارشناسی ارشد رشته تحصیلی مشاوره و راهنمائی صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۶۸۸۱۲۳۰۵۲۳۲ مورخ ۱۳۹۵/۰۷/۳۰ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگ شهر) خیابان کارگر جنوبی کد پستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی قائمشهر
نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی قائمشهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می‌گردد:
املاک متقاضیان واقع در قریه دیوکلاعلیا پلاک ۵۸ اصلی بخش ۱۶
۸۱۹ فرعی به نام آقای علی عبدی نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۶۰۰ متر مربع خریداری بدون واسطه از آقای داراب عبدی مالک رسمی.
لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی/کثیرالانتشار در شهرها منتشر شده و در روستاها علاوه بر انتشار آگهی رای هیات الصاق تا در صورتی که اشخاص ذی‌نفع به آرای اعلام‌شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. بدیهی است برابر ماده ۱۳ آیین‌نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهارنامه ثبتی پذیرفته نشده واحد ثبتی با رای هیات پس از تنظیم اظهارنامه حاوی تحدید حدود مراتب را در اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود به صورت همزمان به اطلاع عموم می‌رساند و نسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقه تحدید حدود واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می‌نماید.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۲/۰۱ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۲/۱۶
میم الف: ۱۷۰۰۱۴۱
مرتضی قاسم‌پور، رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان قائمشهر